

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه با "بنیامین ساخاریا" * تاریخ شناس
فرستنده: علی مشرف
۲۹ جولای ۲۰۲۱

هندوستان دارای قدیمی ترین جنبش فاشیستی در جهان است



س: "راماچندرا گوها" (مؤرخ و روزنامه‌نگار هندی) اخیراً به تظاهرکنندگان هشدار داد با «احتیاط از کلمات و الفاظ استفاده کنند» و عبارت «فاشیسم» را برای توصیف آنچه رخ می‌دهد استفاده نکنند. نظر شما در این مورد چیست؟

پ: ظاهراً "راما گوها" روند تکاملی طولانی «سانگ پاریوار» را در نظر نمی‌گیرد. (*اصلاح کلی برای سازمانهای ناسیونالیستی هندو). آنها اول از هواداران پروپا قرص فاشیستهای ایتالیایی و سپس نازیهای آلمانی بودند و هنوز با جنبشی که با استفاده از نیروهای شبه نظامی و وفادار به حزب به اخاذی غیرقانونی و خشونت متکی است این سنن را دنبال می‌کنند. در این صورت چرا باید «در انتخاب کلمات و الفاظ خود احتیاط کنیم؟» گذشته از آن، فکر می‌کنم که دعوا برسر تعاریف بی معنی است. من دلایل زیادی می‌بینم که باید در برابر جنبشهای دست راست ایستادگی کرد که (هنوز) به جنبش فاشیستی تبدیل نشده اند. می‌توان به این اتفاق نظر رسید که برخی فکر می‌کنند اینها فاشیستند و دیگران فاشیست نیستند ولی ما متفق القولیم که باید در مقابل کوشش های آنان برای تبدیل هندوستان به یک کشور تک زبانه و تک مذهب و اقتدارگرا مقاومت کنیم. ولی کاری که باید انجام دهیم این است که نباید منتظر شد تا با «فاشیسم کامل» روبه رو شویم تا بتوانیم از یک جنبش فاشیستی سخن بگوئیم. در آن صورت دیگر دیر خواهد بود تا در مقابل آن مقاومت کرد. آنها قدرت دولتی را در دست گرفته اند و از توان کامل دولت برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند.

س: تصور می کنید که تسخیر دولت دیگر به پایان رسیده است؟

پ: ما باید بین فاشیسم به عنوان یک جنبش، که خواستار دست یافتن به قدرت است و فاشیسمی که قدرت را به دست آورده تفاوت قایل شویم. "سانگ پاریوار" تقریباً دولت را به طور کامل غصب کرده است و نهادهای خود را طوری هماهنگ کرده که به حوایج حزب و رهبر حزب گردن نهاده و وفادار هستند. دادگاه ها دیگر مستقل نیستند و نیروهای انتظامی تنها به دستور حزب دولتی عمل می کنند و برخی از اعضای نیروی نظامی ظاهراً از نظر سیاسی حزب دولتی را مورد حمایت قرار می دهند و اکثریت پارلمانی مورد سوءاستفاده قرار می گیرد تا قوانین را به تصویب رساند که مغایر قانون اساسی است ولی از آنجا که دادگاه ها نیز غصب شده، چه کسی می تواند آن را بیان دارد؟ هرکس باید با معنای لغت المانی Gleichschaltung (یکدست کردن) آشنا باشد و یا تحقیق کند که به زبان انگلیسی بسیار بی خطر و بی ضرر به نظر می رسد، زیرا به معنای «هماهنگ کردن» است ولی از طرف نازی ها مورد استفاده قرار گرفت تا کلیه نهادها، انجمن ها و اشکال حیات اجتماعی کشور را کنترل کنند. هیچ چیز نباید خارج از حیطه کنترل آنان قرار داشت.

س: ولی می توان استدلال کرد که تفاوت های فاحشی بین فاشیست های گذشته و حال وجود دارد.

پ: فاشیسم پس از جنگ دوم جهانی در اغلب بخش های جهان بدنام شده بود. «نئوفاشیست ها» برای این «نئو» نامیده شدند زیرا گفتار و رفتار کهنه آنها دیگر قابل اعتماد نبود. آنها اکنون شروع کردند خود را از نو سازمان دهند و می توان دید که «نئو» در عین حال «پالئو» (کهنه) است و همین که مردم فراموش کردند که گفتار کهنه بدنام شده بود، می توان دوباره همراه با واژه شناسی نوینی که در کانتکت شکل گرفته، از آن استفاده کرد. تصور «هندو» به عنوان نژاد و به عنوان «آریائی» پس از جنگ جهانی دوم برای بسیاری از مردم مضحک به نظر می رسید، لکن امروز در سطح گسترده بازگشته و کسی به آن نمی خندد. هندوستان دارای قدیمی ترین جنبش فاشیستی در جهان است RSS. (سازمان رادیکال هندوها) در سال ۱۹۲۵ تأسیس شد. لذا تقریباً ۱۰۰ سال قدمت دارد. گفتار درونی این سازمان تغییری پیدا نکرده است. آنها کماکان از متون "سوارکار" (مؤسس جنبش RSS) و یا "گل ولکار" (یکی از نظریه پردازان بانفوذ RSS) برای تلقین به اعضا استفاده می کنند و همان طور که می دانیم، "گل ولکار" بر این عقیده بود که باید از نمونه نازی ها در بیرون افکندن یهودیان از آلمان، برای بیرون افکندن مسلمانان از هندوستان استفاده کرد. او در کتاب خود «ما و یا ملت تعریف شده ما» می نویسد: «... برای منزه نگاه داشتن ملت و فرهنگ خود آلمان جهان را شوکه کرد به این صورت که کشور خود را از وجود نژاد سامی (یهودیان) آزاد نمود. در اینجا غرور ملی به والاترین شکلی تجلی یافت. آلمان همین طور نشان داد تا چه حد تقریباً غیرممکن است که نژادها و فرهنگ ها را که تفاوت های آنها تا ریشه وجود دارد، در حول یک کلی جذب کرد. آموزه خوبی برای ما در هندوستان که می توانیم از آن فراآموزیم و بهره مند شویم. « آنها متناسب با احساس قدرت و یا انضباط خود را به دنیای خارج متفاوت عرضه کردند. آنها پس از این که گاندی را به قتل رساندند حالت تدافعی داشتند و بعد از آن دیگر تدافعی رفتار نکردند و خود را به عنوان «سازمان خدمات اجتماعی» از نو یافتند و گفتار کهنه رفته رفته باز کار گرفته شد.

س: کدام یک از رفتار RSS شما را به یاد فاشیسم می افکند؟

پ: فاشیسم با جنگی از طرح و برنامه ها عمل می کرد که در «سانگ پاریوار» بخوبی قابل مشاهده است. آنها همیشه تمام رپرتوار را به کار نمی بندند و استفاده از آنها از نظر متنی و سیاسی محدود است. در این رپرتوار از جمله

گرایش ادعای داشتن ایده یک ناسیونالیسم ارگانیک و اولیه که بر مبنای خون و زمین ایجاد شده و هرکس که به آن تعلق دارد باید آن را بپذیرد. این رپرتوار همین طور رهبری کنترل شده را در بر می‌گیرد. اعضای این «ملت ارگانیک» را منضبط می‌سازد تا برای و در درون «ملت ارگانیک» عمل کنند. و این ملت باید از «ناپاکیها» زدوده شود و در مقابل آنها حفظ گردد. می‌توان دید که این یک استدلال مدور است. در خدمت حفظ این «ملت ارگانیک»، گرایشات شبه نظامی برای منضبط کردن ملی متداول می‌شود. رفتار شبه نظامی باعث خواهد شد که اعضای این ملت درست مانند یک ملیگرا رفتار کند زیرا در غیر این صورت می‌توان توبیخ و یا مجازات شود و آن کسانی را که به نظر آنان جزو آنها محسوب نمی‌شوند، به اشکال مختلف به حاشیه می‌رانند. انسجام رپرتوار فاشیستی از این طریق حفظ می‌شود که به احساس وجود بحرانی مداوم و خطری دایمی برای اضمحلال «ملت ارگانیک» دامن زده می‌شود، اگر انضباط و خلوص رعایت و حفظ نگردد. استفاده از خشونت سیاسی گویا به تزکیه کمک می‌کند.

س: کدام یک از این عناصر راپرتوار در ایدئولوژی و عمل "سانگی" وجود ندارد؟ بحرانهای متفاوت که آنها به آن دامن می‌زنند کدام است؟ آیا سیاست ستراتیژیک آنها موفق خواهد بود و اگر آری، بعد از آن چه خواهد آمد؟

پ: این ایده که یک پیمان چپ – کمونیستی – لیبرال قدرت ملی را تضعیف خواهد کرد و وحدت طبیعی آن را از بین خواهد برد، اشاره به باند اسرارآمیز «tukde, tukde» (باندی که قصد ایجاد انشقاق کشور را دارد) کوششی برای ایجاد چنین بحرانی است. تم دیگری که مدام مطرح می‌شود خطر جمعیت شناسی بدنایمی است که توسط کارشناسان مطرح می‌گردد که گوئی مسلمانان با سرعت بیشتری رشد می‌کنند و به اکثریت مبدل خواهند شد است. این تم قبل از احراز استقلال دنبال می‌شد. این استدلال «از دست دادن خلوص» است که بعضاً در جهت ادعای مضحک «جهاد عشق» و لزوم نجات «دختران» هندو در مقابل مردان خشن مسلمان حرکت می‌کند. این ایده که هندوستان مورد هجوم افرادی قرار خواهد گرفت که «ذاتاً» هندی نیستند، طبیعتاً کلید کل ترکیبات CAA و NRC می‌باشد. (CAA قانون تابعیت کشوری که در سال ۲۰۱۹ به تصویب رسید و شامل حال کلیه افرادی که به طور غیرقانونی در هندوستان به سر می‌برند و شامل حال شهروندان هندی نمی‌شود؛ NRC لیست کلیه شهروندان هندی که شامل دیگران نمی‌شود). کسانی که ذاتاً به راشتا (دولت) هندو تعلق ندارند در حال حاضر مسلمانانند زیرا در بین اقلیت ها اکثریتی را تشکیل می‌دهند. ولی این امر می‌تواند به سرعت تغییر کند. نباید حملات و بعضاً قتل‌های هدفمند مسیحیان فارغ از این که در هندوستان و یا خارج از آن به دنیا آمده‌اند را فراموش کنیم. و خشونت علیه "دالیت ها" تمامی ندارد با این که مدام صحبت از هندوستان متحد هندوئی در مقابل «بیگانگان» در میان است. همه این سیاست‌های کاربردی برای مدت معینی عمل می‌کنند. در دوران رسانه های اجتماعی بسیار ساده خیلی ساده می‌توان پانیک اخلاقی ایجاد کرد.

س: گفتید که پانیک اخلاقی «برای مدتی» عمل می‌کند. آیا احساس می‌کنید زمانی که این نوع سیاست ها مؤثر است، در حال سپری شدن است؟ خطر این که این فضای مسموم عواقب وخیم تری از اشکال ویرانگر خشونت روزمره کنونی به دنبال داشته باشد چقدر است؟

پ: هر پانیک اخلاقی ویژه‌ای فقط برای مدت معینی عمل می‌کند. مشکل پانیک اخلاقی در این است که انسان باید مدام به شدت و حدت آن بیفزاید. آن چه که مردم را در آغاز تهییج می‌کند، سپس نرمال خواهد شد، لذا انسان گه گاه به پانیک اخلاقی نوینی نیازمند خواهد بود ولی به طور کل پانیک اخلاقی را می‌توان مدام تولید کرد و حق با شماست، وقتی می‌گوئید که این فضای مسموم شیوع پیدا می‌کند. هیچ کس به دیگری اعتماد نمی‌کند و این عدم اعتماد می‌تواند به شدت

پانیک بیفزاید، به طوری که مردم به جان هم می‌افتند زیرا معتقدند که باید حمله کنند و یا مورد حمله واقع خواهند شد. این امر از این رو خودویرانگری است، زیرا تقریباً غیرممکن است که بتوان بر آن غلبه کرد. پیامدهای آن نسل‌های دوام خواهد داشت و ضربه روحی آن منتقل گشته و به ارث خواهد رسید. آیا این که ویرانگرتر از خشونت امروزی خواهد بود، هنوز نمی‌دانم. واقعاً نمی‌توانیم بدانیم که بازداشتگاه‌هایی که ساخته می‌شود واقعاً به آن نوع اردوگاه‌های مرگ که از گذشته می‌شناسیم تبدیل خواهد شد و من امیدوارم که مردم حاضر نباشند آنقدر صبر کنند. تا آن زمان خشونت‌های روزمره ادامه خواهد داشت

س: نظر شما در مورد میلیون‌ها نفر انسان که در خیابان‌ها جسم و جان خود را به خطر می‌افکنند تا علیه این رژیم دست به اعتراض زنند، چیست؟

پ: فکر می‌کنم بسیاری از ما از خود سؤال کردند که چرا مردم هندوستان این قدر زمان نیاز داشتند تا درک کنند که اگر به جای این که منتظر شوند تا دیگران به نام او عمل کنند، خود کمر همت نبندند، کلیه آزادی‌های خود را از دست خواهند داد. دیدن مردم عادی و ساده در خیابان‌ها، که اغلب از طرف احزاب و سازمان‌های رهبری نمی‌شوند، به رشد خوشبینی و امید دامن می‌زند. من در هندوستان به دنیا آمدم و رشد کردم و آرادیهای سیاسی خود را بدیهی می‌پنداشتم، لذا نمی‌توانم به کسی خرده بگیرم که چرا به محدود شدن فضای مخالفت اعتقاد ندارد و این احساس بی‌اعتقادی به این معنی است که انسان‌ها زمان نیاز دارند تا درک کنند که باید خود وارد میدان عمل شوند. اینها اعتراضاتی است که توسط CAA و CNR کاتالیزه شد ولی مردم در هندوستان برای نارضایتی دلایلی متعددی دارند. اقتصاد ناتوان است. دانشجویان در دانشگاه از طرف چاقوکشان مزدور دولت مورد حمله قرار می‌گیرند، بسیاری از مردم ساده در بخش‌های کم‌اختلاف کشور توسط "سانگ‌ها" لینچ می‌شوند. شاید چون همه خود را در معرض حمله می‌بینند، یک ائتلاف گسترده پدید آمده است. همبستگی بین انسان‌ها از کلیه مشاغل، طبقات، کاست و مذهب بخوبی مشهود است. دانشجویان در کنار سندی‌کاها، دالیت‌ها، سیک‌ها، کاست‌های هندو در کنار مسلمانان و زنان نقش برجسته‌ای در این مبارزه ایفاء می‌کنند. با این حال این تنها یک ائتلاف است و افراد مختلف اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند. بدبختانه هرچند جهان دریافت که دموکراسی هندی برای بقای خود مبارزه می‌کند، ولی در شرایطی که دولت چه از کانال‌های رسمی و چه کانال‌های غیر رسمی آماده استفاده از خشونت است، این کافی نیست. هنگام تظاهرات بزرگ صلح آمیز در دوران استعمار، استعمارگران تصور می‌کردند که استعمال خشونت علیه تظاهرکنندگان خشونت پرهیز، مشروعیت سلطه آنان را از بین می‌برد. این دولت ظاهراً ارزشی برای از دست دادن مشروعیت خویش قایل نیست. با این حال می‌توانیم با احتیاط خوش بین باشیم، حتی اگر نگران جسم و جان دوستان و بستگان خود هستیم که در صف اول اعتراضات ایستاده اند.

«ما، مردم هندوستان»، جمله‌ای که مقدمه قانون اساسی ما با آن آغاز می‌شود، امروز بیش از همیشه معنی پیدا کرده است.

*بنیامین ساخاریا دکتر علم فلسفه از کلکته، در حال حاضر محقق ارشد در دانشگاه تریر (آلمان) است. او بیش از دو دهه است که در مورد تاریخ نیروهای دست راستی هندی و اشکال بروز فاشیسم و نازیسم هندی تحقیق می‌کند.

تارنگاشت عدالت

سه شنبه، ۵ مرداد ۱۴۰۰

برگرفته از: اوراق مارکسیستی

منتشر شده در تاریخ: ۲۰۲۱-۴